

Comparative study on legal conditions of married women leaving their own country; with emphasis on Muslim majority countries

Elaheh Mohseni*

Assistant Professor, Department of law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Gülen Sinem Tek

Assistant Professor, Chair of Civil Law and Law of Obligations, Bahçeşehir University, Istanbul, Turkey

(Email: sinem.tek@law.bau.edu.tr)

Ghofran Hilal

Assistant Professor of Public International Law, Faculty of Law, University of Jordan

(Email: g.hilal@ju.edu.jo)

(Received: 2021/09/16, Accepted: 2022/03/17)

Abstract

Liberty of movement and freedom to choose residence is a fundamental human right that is enshrined in international human rights instruments and the constitutions of many countries. During the last decades, in most legal systems around the world significant changes have taken place in the field of women's rights and freedoms in their family and social relations. One of the manifestations of these developments is related to the conditions and restrictions in the field of women's travelling abroad. In this paper, using library resources and with a comparative approach, we examine international human rights instruments as well as the regulations of different countries, especially Muslim countries, and their developments over the time regarding the legal conditions for married women to leave their own country. The purpose of this study is to identify the recent developments in the world, especially in Muslim countries vis-à-vis the individual and family rights of women and the position of Iranian law in this regard. To this end, the laws of eleven countries as follows are examined: France, Turkey, Tunisia, Morocco, Algeria, Egypt, Kuwait, Jordan, Saudi Arabia, Afghanistan (prior to Taliban control in 2021) and Iran. This study shows that among the countries studied, only Iranian law stipulates that the right of married women to travel abroad is subject to their husbands' consent. Meanwhile, other countries recognize, with some differences, the freedom and independence of married women in this regard. Nevertheless, various legal solutions are provided in these countries in order to ensure the fulfillment of marital obligations in the case where one spouse travels abroad.

Keywords

Leaving country, right to freedom of movement, passport, spousal obligations, travel ban, married woman, traveling abroad.

* Corresponding Author; Email: e.mohseni@mshdiau.ac.ir, Fax: 098513663715

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۳، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۱

صفحات ۶۳ تا ۸۹ (علمی - پژوهشی)

بررسی تطبیقی خروج زوجه از کشور با تأکید بر حقوق کشورهای مسلمان

الهه محسنی*

استادیار گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

گولن سینم تک

استادیار گروه حقوق مدنی و حقوق تعهدات، دانشگاه باهجه شهیر، استانبول، ترکیه

(Email: sinem.tek@law.bau.edu.tr)

غفران هلال

استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق دانشگاه اردن، امان (عمان) اردن

(Email: g.hilal@ju.edu.jo)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶)

چکیده

آزادی رفت و آمد و تعیین اقامتگاه از حقوق اساسی افراد بشر است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و قوانین اساسی بسیاری کشورها بر آن تأکید شده است. در چند دهه گذشته، در قریب به اتفاق قوانین کشورهای دنیا تحولات چشمگیری در زمینه حقوق، آزادی‌ها و اختیارات زنان در روابط خانوادگی و اجتماعی صورت گرفته است. یکی از جلوه‌های این تحولات مربوط به شرایط و محدودیت‌های حاکم در زمینه خروج زنان از کشور است. در این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد تطبیقی به بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشری و همچنین مقررات کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای مسلمان و تحولات آنها در گذر زمان در خصوص شرایط قانونی خروج زنان شوهردار از کشور می‌پردازیم. هدف این مطالعه، شناخت تحولات اخیر کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای مسلمان پیرامون حقوق فردی و خانوادگی زنان در موضوع مورد بحث و جایگاه حقوق ایران در این میان است. به این منظور، قوانین یازده کشور (فرانسه، ترکیه، تونس، مراکش، الجزایر، مصر، کویت، اردن، عربستان سعودی، افغانستان پیش از استقرار حکومت طالبان در ۲۰۲۱، و ایران) مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش نشان می‌دهد در میان کشورهای مورد بررسی، تنها حقوق ایران خروج زنان را منوط به اجازه شوهر کرده است؛ در حالی که دیگر کشورها اهلیت و استقلال زن شوهردار را در این زمینه همچون مرد متأهل، با تفاوت‌هایی به رسمیت شناخته‌اند. در مقابل، راهکارهای قانونی گوناگونی به‌عنوان قواعد عمومی یا اختصاصی ضمانت اجرای تعهدات زناشویی در صورت خروج همسر از کشور در این نظام‌های حقوقی پیش‌بینی شده است.

واژگان کلیدی

تعهدات زناشویی، حق آزادی رفت و آمد، خروج از کشور، زن شوهردار، سفر، گذرنامه، ممنوع‌الخروجی.

مقدمه

در سال های اخیر، مسئله خروج زنان متأهل از کشور پررنگ تر از گذشته در جامعه و مراجع اداری و قضایی مطرح است. زنانی که برای سفر مذهبی- زیارتی، علمی، حرفه‌ای، درمانی، خانوادگی و غیر آن مایل و بلکه ناگزیر از سفر به خارج از کشور هستند و با مانع اجازه همسر مواجه می‌شوند. امری که هرازچندگاهی اخبار منتشرشده آن در رسانه‌های داخلی و خارجی درخصوص ممنوع‌الخروج شدن یکی از زنان نامدار ایرانی هر انسان منصفی را حیرت‌زده و متأسف می‌کند.

در چند دهه گذشته در قریب به اتفاق کشورهای دنیا تحولات چشمگیری در زمینه بهبود جایگاه، حقوق، آزادی‌ها و اختیارات زنان و مادران در روابط خانوادگی از سوی قانون‌گذاران صورت گرفته است. یکی از جلوه‌های این تحولات مربوط به شرایط و محدودیت‌های حاکم در زمینه خروج از کشور است. از سوی دیگر، مهاجرت زنان در سراسر دنیا به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰، همگام با افزایش و جهانی شدن سفرها، رشد چشمگیری داشته است. از حدود نیم قرن گذشته، زنان تقریباً نیمی از جمعیت مهاجران بین‌المللی را تشکیل می‌دهند، به طوری که برخی از آن با عنوان «پدیده زنانه شدن مهاجرت» نام برده‌اند (Attané et al., 2015: 72). بر اساس آمار ارائه شده از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۱۲، حدود ۷۰ درصد مهاجران به کشور پاراگوئه، ۶۳ درصد مهاجران به روسیه و ۶۰ درصد مهاجران به ژاپن و برزیل را زنان تشکیل داده‌اند (OECD, 2012). همچنین در سال ۲۰۲۰، حدود ۴۸ درصد مهاجرت‌های بین‌المللی در دنیا به زنان تعلق داشته است. هرچند در گذشته زنان غالباً به‌عنوان وابسته به همسر یا دیگر اعضای خانواده مهاجرت می‌کردند، اما امروزه به‌طور فزاینده‌ای به صورت مستقل و برای اهدافی چون تحصیل و کار مهاجرت می‌کنند (UN DESA, 2020: 25).

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، با رویکرد تطبیقی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری و همچنین مقررات کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای مسلمان و تحولات آن‌ها در خصوص شرایط خروج زنان شوهردار از کشور می‌پردازیم. هدف این مطالعه شناخت تحولات اخیر کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای مسلمان در موضوع موردبحث و شناخت جایگاه حقوق ایران در این میان است. در ادامه پس از مطالعه اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری، به بررسی حقوق کشورهای فرانسه، ترکیه، تونس، مراکش، الجزایر، مصر، کویت، اردن، افغانستان، عربستان سعودی و ایران می‌پردازیم. این مقاله سعی دارد قوانین کشورهای مختلف با پیشینه، ساختار و مبانی حقوقی گوناگون را در موضوع موردبحث بررسی کند. با این حال، به جهت نزدیکی نظام حقوقی و ساختار فرهنگی، تأکید و تمرکز بیشتر این مطالعه بر حقوق کشورهای مسلمان است. به‌علاوه، نظر به تأثیرپذیری قوانین داخلی کشورها از اسناد بین‌المللی که به آن پیوسته‌اند، توجه به

اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در کنار حقوق داخلی کشورها ضرورت می‌یابد. باتوجه به اینکه یکی از کارکردهای مهم مطالعات حقوق تطبیقی بهره‌گیری از نتایج آن برای اصلاح حقوق داخلی است (محسنی، ۱۳۹۸: ۷۰۸)، این مقاله ضمن تبیین و نقد حقوق داخلی، پیشنهاد اصلاح آن را با استفاده از نتایج مطالعه تطبیقی صورت‌گرفته ارائه می‌کند. گزارش کشورهای نامبرده براساس میزان تضمین حقوق و آزادی‌های فردی زنان در قوانین در موضوع موردبحث از بیشترین به کمترین آمده است.

۱. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای

آزادی رفت و آمد و تعیین اقامتگاه از حقوق اساسی افراد بشر است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. آزادی جابه‌جایی و رفت و آمد شرط ضروری برای رشد و بالندگی فردی و اجتماعی شخص است و با حقوق بشری متعدد دیگری چون حق بر آزادی و امنیت، حق مشارکت در زندگی اجتماعی - عمومی و حق بر حریم خصوصی رابطه نزدیک دارد. بر اساس مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشری می‌توان گفت حق آزادی رفت و آمد شامل سه جنبه گوناگون است: (۱) حق آزادی جابه‌جایی در قلمرو کشور محل اقامت قانونی که دربرگیرنده حق انتخاب اقامتگاه است؛ (۲) حق ترک هر کشور صرف نظر از تابعیت فرد؛ (۳) حق ورود به کشور متبوع. با این حال، حق رفت و آمد و تعیین اقامتگاه مطلق نبوده و محدودیت‌هایی برای آن در حقوق کشورهای مختلف به‌ویژه در قوانین کیفری پیش‌بینی شده است (کمیته حقوق بشر سازمان ملل، ۱۹۹۹: بند ش. ۶ و ۱۸). به‌علاوه، در سال‌های گذشته با افزایش تحرکات تروریستی و سپس بیماری کرونا، محدودیت‌های اعمال شده بر این حق بشری افزایش یافته است. بی‌شک، اعمال محدودیت‌ها بر این حق باید با رعایت دیگر حقوق بشری به‌ویژه اصل برابری و عدم تبعیض باشد (Malaurie, Aynès, 2020: 129).

ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در این باره مقرر می‌دارد: «(۱) هرکس حق دارد در داخل هر کشوری آزادانه رفت و آمد کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید. (۲) هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد».

همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در ماده ۱۲ ضمن تصریح به این حق بیان می‌دارد: «(۱) هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق رفت و آمد آزادانه و انتخاب اقامتگاه خود را در آنجا خواهد داشت. (۲) هرکس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند. (۳) حقوق یادشده تابع هیچ‌گونه محدودیتی نخواهد بود مگر محدودیت‌هایی که به‌موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت یا اخلاق عمومی یا حقوق و

آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته‌شده در این میثاق سازگار باشد [...]». نظریه عمومی شماره ۲۷ کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز به شرح و تفسیر ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی راجع به «حق آزادی رفت و آمد» می‌پردازد. در این نظریه آمده است که «کشورهای عضو باید حق آزادی رفت و آمد را نه تنها در سطح عمومی، بلکه در روابط خصوصی افراد نیز تضمین نمایند. در این راستا، زنان نیاز به حمایت ویژه دارند. برای نمونه، اینکه حق آزادی رفت و آمد زنان از سوی قانون یا عرف منوط به تصمیم فرد دیگری همچون یکی از خویشاوندان گردد، با مفاد بند ۱ ماده ۱۲ میثاق در تعارض است». به‌علاوه اعمال محدودیت بر این حق باید همسو با دیگر حقوق تضمین‌شده در میثاق و اصول اساسی برابری و عدم تبعیض باشد. بنابراین اعمال محدودیت بر این حق بر اساس نژاد، جنسیت، زبان، دین، وضعیت مالی و مانند آن نقض آشکار ماده ۱۲ میثاق خواهد بود. احکام موجود در برخی کشورها که آزادی رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه زنان را منوط به اجازه یا همراهی فرد مذکری می‌کند نقض ماده ۱۲ میثاق است (UN Human Rights Committee, 1999: p. 6 & 18).

گفتنی است دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی را امضا^۱ و در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴ بدون هیچ قید و شرطی از تصویب گذرانده است. به این ترتیب، به آن اعتبار قانونی بخشیده و خود را به آن متعهد ساخته است. پس از انقلاب اسلامی نیز دولت ایران نه تنها میثاق را رد نکرده و خروج خود از عضویت در آن را اعلام ننموده، بلکه سیاست کلی‌اش مبنی بر همکاری با کمیته حقوق بشر بوده است (مهرپور، ۱۳۹۵: ۴۹؛ مهرپور، ۱۳۹۷: ۴۱۴؛ میری نام‌نیها، ۱۳۹۹: ۷۰-۷۵).

در میان دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، بند ۴ ماده ۱۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ بیان می‌دارد: «کشورهای عضو به مردان و زنان حقوق یکسانی در خصوص قوانین مربوط به رفت و آمد افراد و آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه اعطا خواهند کرد». قریب به اتفاق کشورهای دنیا (۱۸۹ کشور از ۱۹۷ کشور موجود) این کنوانسیون را به تصویب رسانده‌اند و به آن متعهد هستند، اما ایران تاکنون هیچ اقدامی در زمینه امضا و تصویب این پیمان‌نامه نکرده است. در میان کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش، به ترتیب مصر در سال ۱۹۸۱، فرانسه در سال ۱۹۸۳، ترکیه و تونس در سال ۱۹۸۵، اردن در سال ۱۹۹۲، مراکش در سال ۱۹۹۳، کویت سال ۱۹۹۴، الجزایر سال ۱۹۹۶،

۱. به‌موجب مقرره هیئت وزیران مصوب ۱۳۴۷/۰۱/۱۰ در خصوص تصویب «میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی» و «میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی» و اجازه امضای آن به جناب آقای دکتر مهدی وکیل، سفیر و نماینده دائمی دولت شاهنشاهی ایران در سازمان ملل متحد.
۲. به‌موجب قانون «اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» مصوب مجلس شورای ملی و مجلس سنا مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۴.

عربستان سعودی سال ۲۰۰۰ و افغانستان در سال ۲۰۰۳ این کنوانسیون را به تصویب رسانده و به آن پیوسته‌اند.^۱

همچنین ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی و ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت^۲ نیز بر حق رفت و آمد آزادانه تأکید و تصریح دارند. حق رفت و آمد آزادانه در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است. از جمله می‌توان به ماده ۴۵ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا^۳ مصوب سال ۲۰۰۰ و ماده ۲ پروتکل الحاقی شماره ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۴ اشاره کرد. ماده ۲ پروتکل نامبرده با عنوان «آزادی رفت و آمد» مقرر می‌دارد: «(۱) هر فردی که به‌طور قانونی در قلمرو کشوری اقامت دارد حق دارد در آن آزادانه رفت و آمد نماید و اقامتگاه خود را آزادانه برگزیند. (۲) همه افراد آزادند هر کشوری از جمله کشور متبوع خود را ترک نمایند. (۳) هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند بر اجرای این حقوق اعمال گردد، مگر مواردی که به‌عنوان اقدامات ضروری در یک جامعه دموکراتیک برای امنیت ملی، امنیت عمومی، حفظ نظم عمومی، پیشگیری از جرایم کیفری، حفاظت از سلامت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران در قانون مقرر شده باشد. (۴) حقوق به رسمیت شناخته‌شده در بند نخست همچنین می‌تواند در برخی مناطق مشخص، موضوع محدودیت‌های مقرر در قانون قرار گیرند که به استناد مصالح عمومی در یک جامعه دموکراتیک توجیه‌پذیر باشد».

۲. حقوق فرانسه

پیشینه قوانین. قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه معروف به کد ناپلئون (Code Napoléon) تکلیف اطاعت از شوهر را برای زن پیش‌بینی کرده بود (ماده ۲۱۳)^۵. در این قانون، زن مانند صغیر

۱. سایت رسمی دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد؛ قابل دسترسی به آدرس: <https://indicators.ohchr.org>.

۲. جمهوری اسلامی ایران به موجب «قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» مصوب ۱۳۸۷/۰۹/۱۳ این کنوانسیون را به تصویب رسانده و به آن پیوسته است.

3. Charte des droits fondamentaux de l'Union européenne (Fr.). Charter of Fundamental Rights of the European Union (Eng.).

۴. ماده ۴۵ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا با عنوان «آزادی رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه» مقرر می‌دارد: «(۱) هریک از شهروندان اتحادیه از حق رفت و آمد و انتخاب آزادانه محل اقامت در قلمرو هریک از کشورهای عضو برخوردار است. (۲) آزادی رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه طبق معاهده جامعه اروپایی به اتباع کشورهای ثالث که به‌طور قانونی در یکی از کشورهای عضو اقامت دارند، قابل اعطا است».

5. Quatrième Protocole additionnel à la CEDH.

۶. ماده ۲۱۳ قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه: «شوهر باید از زن خود حمایت کند؛ زن از شوهر خود فرمان می‌برد».

تحت ولایت پدر و شوهر بود و به عبارتی نگاه قانون‌گذار به زن بیشتر «صغیر مادام‌العمر» بود و تنها بلوغ او برای مسئولیت خطاها و جرایم به رسمیت شناخته می‌شد (فرد فاقد اهلیت استیفا، اما دارای مسئولیت مدنی و کیفری). قانون مدنی ۱۸۰۴ عدم اهلیت کامل زنان شوهردار را در ماده ۱۱۲۴ این‌گونه پیش‌بینی کرده بود: «افراد فاقد اهلیت برای انعقاد قرارداد عبارتند از: صغار، افراد ممنوع‌التصرف، زنان شوهردار در موارد مقرر در قانون، و به‌طور کلی تمام افرادی که قانون برخی قراردادها را برایشان ممنوع کرده است (مانند مجرمین، مجانین و بیماران روانی)». هرچند زن بالغ مجرد از اهلیت نسبی برخوردار بود، اما با ازدواج به‌طور کامل اهلیت مدنی خود را از دست می‌داد و به عبارت دیگر، زن شوهردار یک صغیر مدنی محسوب می‌شد (Leclair, 2002: 75). در نتیجه، زنان شوهردار مشمول این احکام بودند: ممنوعیت ورود به دبیرستان و دانشگاه، ممنوعیت انعقاد قرارداد و اداره اموال بدون همراهی یا اجازه شوهر (ماده ۲۱۷ کد ناپلئون)، ممنوعیت تصرف در اموال و دستمزد، محرومیت کامل از حقوق سیاسی، ممنوعیت کار و اشتغال بدون اجازه شوهر، نظارت شوهر بر مکاتبات و روابط زن، ممنوعیت سفر به خارج کشور بدون اجازه شوهر، مجازات بسیار شدید برای زنانی محصنه زن.

عدم اهلیت مدنی زنان برای مدت بیش از یک قرن از زمان نگارش کد ناپلئون ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۹۳۸ منسوخ شد (Ansel, 1938). تا پیش از اصلاح ۱۹۳۸، زنان شوهردار برای گرفتن گذرنامه نیاز به اجازه همسر داشتند. قانون ۱۸ فوریه ۱۹۳۸ راجع به اصلاح مقررات قانون مدنی پیرامون اهلیت مدنی زنان شوهردار^۱، تحول جدیدی در این زمینه ایجاد نمود. به‌موجب قانون ۱۹۳۸، ماده ۲۱۵ قانون مدنی این‌گونه اصلاح شد: «زن شوهردار اهلیت کامل برای اجرای حقوق مدنی خود را دارد». همچنین بند مربوط به «زنان شوهردار» از ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی حذف شد. گفتنی است پیش از این اصلاح قانونی، بخشنامه وزارتی صادره در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۹۳۷^۲ نیز صدور گذرنامه برای زنان شوهردار بدون اجازه همسر را مجاز نمود (Rocheffort, 2005: 130).

قوانین کنونی. روند اصلاح قوانین خانواده در جهت برقراری برابری جنسیتی در حقوق فرانسه تا آنجا پیش رفت که امروزه هیچ‌گونه اختلافی در حقوق و تکالیف زناشویی و والدینی میان زن و شوهر در قوانین یافت نمی‌شود. به‌موجب قانون مدنی کنونی فرانسه، «زوجین به‌طور مشترک هدایت و مدیریت معنوی و مادی خانواده را به‌عهده دارند. ایشان به تربیت فرزندان پرداخته، تدارک آینده آنان را می‌بینند» (ماده ۲۱۳ ق.م). «زوجین متقابلاً متعهد به احترام، وفاداری، کمک مالی و مساعدت یکدیگر هستند» (ماده ۲۱۲ ق.م). آنها متعهد به زندگی

1. Loi du 18 février 1938 portant modification des textes du code civil relatifs à la capacité de la femme mariée, JORF n°0042 du 19 février 1938.

2. Circulaire ministérielle du 14 juin 1937.

مشترک بوده، محل سکونت خانواده را با توافق یکدیگر تعیین می‌کنند (ماده ۲۱۵ ق.م). همچنین ولایت بر فرزندان به‌طور مشترک به پدر و مادر تعلق دارد که آنها با همکاری یکدیگر اختیارات و تکالیف مربوط به آن را اجرا می‌کنند (مواد ۱-۳۷۱ و ۲-۳۷۱ و ۳۷۲ ق.م. فرانسه). گفتنی است «ولایت ابوینی» به‌عنوان ولایت مشترک پدر و مادر بر فرزندان در سال ۱۹۷۰ جایگزین «قدرت پدری» (یعنی ولایت مطلق و انحصاری پدر بر فرزندان) شد.^۱

درخصوص شرایط خروج از کشور و گذرنامه، مهم‌ترین متن رسمی در حقوق کنونی فرانسه تصویب‌نامه ۳۰ دسامبر ۲۰۰۵ پیرامون گذرنامه^۲ است. این تصویب‌نامه از زمان تصویب مورد اصلاحات گوناگون قرار گرفته که آخرین آن مربوط به سال ۲۰۱۷ است. بر اساس تصویب‌نامه یادشده، گذرنامه بدون شرط سنی برای همه افراد فرانسوی که برابر مقررات درخواست دهند صادر می‌شود. مدت اعتبار گذرنامه برای افراد بالغ، ۱۰ سال و برای افراد صغیر، ۵ سال است (ماده ۴). مقررات این تصویب‌نامه هیچ تفاوتی بر مبنای جنسیت یا وضعیت زناشویی یا خانوادگی برای شهروندان در مدارک یا شرایط درخواست گذرنامه پیش‌بینی نکرده است.

۳. حقوق ترکیه

احکام مربوط به خروج از کشور و گذرنامه در قانون گذرنامه مصوب ۱۹۵۰ ترکیه و برخی آیین‌نامه‌های مربوط آمده است. به‌موجب قانون نامبرده، شهروندان ترکیه برای خروج از کشور لازم است گذرنامه داشته باشند و از خروجی و مرزهای مجاز مشخص‌شده از سوی ریاست جمهوری ترکیه استفاده نمایند.^۴

در حقوق ترکیه حق جابه‌جایی و سفر حقی اساسی است که قانون اساسی آن را به‌رسمیت شناخته است. اصل ۲۳ قانون اساسی ترکیه (اصلاحی سال ۲۰۰۱ و ۲۰۱۰) با عنوان «آزادی اقامتگاه و جابه‌جایی» در این زمینه مقرر می‌دارد: «همه افراد از آزادی اقامتگاه و جابه‌جایی برخوردارند. آزادی اقامتگاه می‌تواند به‌موجب قانون به‌منظور جلوگیری از جرایم، بهبود رشد اجتماعی و اقتصادی، دستیابی به شهرنشینی صحیح و منظم و حمایت از اموال عمومی محدود گردد. آزادی جابه‌جایی می‌تواند به‌موجب قانون با هدف تحقیق و تعقیب جرم و پیشگیری از جرایم محدود گردد. حق آزادی شهروندان برای خروج از کشور تنها می‌تواند به‌موجب حکم دادگاه و بر اساس تحقیق یا تعقیب کیفری محدود گردد»^۵. به این ترتیب، این حق و آزادی

1. Loi n° 70-459 du 4 juin 1970 relative à l'autorité parentale.

2. Décret n°2005-1726 du 30 décembre 2005 relatif aux passeports.

3. Act no: 5682, 15.07.1950 in Official Gazette no: 18811, 24.07.1950.

4. Art. 1 and 2 of the Turkish Passport Act.

5. https://global.tbmm.gov.tr/docs/constitution_en.pdf

۵. قابل دسترسی در سایت مجلس ملی ترکیه:

شهروندی تنها در موارد مقرر در قانون و به منظور تحقیق و تعقیب کیفری یا پیشگیری از جرم ممکن است محدود گردد (Gözler, 2018: 401).

امروزه، قوانین این کشور در خصوص شرایط خروج از کشور و کسب گذرنامه بر اساس جنسیت یا وضعیت تأهل، میان شهروندان تفاوتی قائل نیست؛ بنابراین، زنان نیاز به رضایت یا اجازه همسر برای خروج از کشور ندارند. در دوره حکومت عثمانی^۱، هر چند هیچ قانون خاصی راجع به محدودیت حق زنان برای سفر و خروج از کشور وجود نداشت، اما زنان در امور مجاز مذهبی تابع شوهرانشان بودند^۲. در این زمینه، می‌توان نتیجه گرفت که زنان لازم بود رضایت همسر خود را برای خروج از کشور داشته باشند. نقض این حکم می‌توانست منجر به محرومیت زن از حق نفقه در زمان ازدواج و عده گردد (Akyilmaz, 2011: 213). به این ترتیب، می‌توان گفت حتی در دوره عثمانی، عدم رضایت شوهر نمی‌توانست مانع زن برای خروج از کشور گردد (بلکه برخی محرومیت‌های مدنی دیگر را در پی داشت).

قواعد عمومی حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر در مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ قانون مدنی جدید ترکیه مصوب ۲۰۰۱ آمده است. در قانون مدنی جدید این کشور برخلاف قانون مدنی

۱. امپراتوری عثمانی یک امپراتوری مسلمان بود که چندین قرن بخش‌های بزرگی از جنوب شرق اروپا، غرب آسیا و شمال آفریقا را تحت کنترل خود داشت. این امپراتوری در اواخر قرن سیزدهم میلادی (سال ۱۲۹۹) از سوی رهبر قبایل ترک اغوز یعنی عثمان یکم در سوگوت بنیان گذاشته شد و در سال ۱۳۵۴ با فتح بالکان، به اروپا راه یافت که به این ترتیب، دولت کوچک عثمانی به یک قدرت بین‌قاره‌ای تبدیل شد. تا سال ۱۴۵۳، عثمانیان همه قلمرو امپراتوری روم شرقی را ضمیمه خاک خود کردند و با فتح قسطنطنیه از سوی محمد فاتح، پایتخت خود را به این شهر انتقال دادند. امپراتوری عثمانی به مدت ۶۲۵ سال در یک قلمرو گسترده حکومت کرد. سرانجام شکست عثمانی در جنگ جهانی اول به اشغال سرزمین‌های این امپراتوری از سوی متفقین در سال ۱۹۲۳ منجر شد. در نهایت، نیروهای پیروز قلمرو عثمانی را در خاورمیانه طبق توافق‌نامه سایکس-پیکو بین یکدیگر تقسیم کردند که این تقسیم‌بندی بنابر تفکرات فرانسه و بریتانیا بود. با این حال، شورش ترک‌زبانان آناتولی در برابر اشغال متحدین در جنگ استقلال ترکیه به تأسیس جمهوری ترکیه انجامید و در نهایت، امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۴ منقرض شد.

۲. در دوره عثمانی غالباً زنان در جامعه مردسالار ترک از حقوق اجتماعی خود محروم بودند. زنان ترک از پیش‌تر و هم‌زمان با اصلاحات امپراتوری عثمانی در دوره تنظیمات به کسب برخی حقوق و مزایا در اجتماع موفق شدند. ظهور جمهوری ترکیه فرصتی را فراهم آورد تا اصلاحات اخیر به‌طور جدی‌تر از سوی مصطفی کمال و دیگر جمهوری‌خواهان ادامه یابد. کمالی‌ها با تصویب برخی قوانین همانند لغو چندهمسری، حق طلاق، حق ازدواج با غیرمسلمان، مدنی کردن ازدواج و طلاق، و برابری زن و مرد در ارث، کوشیدند حقوق زن در خانواده را دگرگون سازند. از سوی دیگر، اعطای برخی آزادی‌های شهروندی و سیاسی به زنان مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در سطوح محلی و ملی و همچنین حق تحصیل و اشتغال، مشارکت ایشان در حوزه‌های گوناگون اجتماعی را افزایش داد. دگرگونی موقعیت خانوادگی، اجتماعی و سیاسی زنان در جامعه یکی از مهم‌ترین اهداف اصلاحی مصطفی کمال آتاتورک و دیگر جمهوری‌خواهان بود (پیرمردیان و فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۵۰-۶۷).

پیشین مصوب ۱۹۲۶، زوجین در خانواده از حقوق و تکالیف برابری برخوردار هستند (Burcuoğlu, 2018: 454). به موجب مواد یادشده، زوجین مکلفاند به طور مشترک خوشبختی پیوند خود را تضمین نمایند و مراقبت، تربیت و نظارت بر فرزندان را به عهده گیرند. آنها باید با یکدیگر زندگی کنند، نسبت به یکدیگر وفادار باشند و به کمک یکدیگر بیایند (ماده ۱۸۵ ق.م). زوجین با مشارکت یکدیگر پیوند خود را اداره کرده، محل زندگی مشترک خود را با توافق تعیین می کنند. زن و شوهر در تأمین نیازها و هزینه های زندگی مشترک با کار (فعالیت) و اموال خود و به نسبت توان خویش مشارکت می کنند (ماده ۱۸۶ ق.م). همچنین به موجب مواد ۳۳۵ و ۳۳۶ قانون مدنی ترکیه، کودکان صغیر تحت ولایت ابوینی و مشترک والدین (پدر و مادر) قرار دارند (Dural et al, 2020; Öztan, 2015).

۴. حقوق تونس

در کشور تونس از حدود نیم قرن گذشته، به موجب قانون گذرنامه و اسناد مسافرتی مصوب ۱۹۷۵، لزوم داشتن اجازه پدر یا همسر برای خروج زنان بالغ از کشور لغو شده است.^۱ به این ترتیب، امروزه در حقوق این کشور آزادی رفت و آمد و مسافرت برای زن و مرد به طور یکسان اعمال می شود.

قانون اساسی جدید تونس مصوب ۲۰۱۴ در فرازهای مختلفی به ویژه در بند سوم درآمد و اصول ۱۵، ۲۱، ۳۴ و ۴۶ بر برابری همه شهروندان در حقوق و فرصت ها تأکید دارد. اصل ۲۱ قانون اساسی بیان می دارد: «همه شهروندان، زن و مرد، در حقوق و تکالیف برابرند و در برابر قانون بدون هیچ تفاوتی مساوی هستند». با این حال، برابری حقوق مورد تأکید قانون اساسی به طور کامل در قوانین معتبر عادی به اجرا در نیامده است (Democracy Reporting International, 2020: 23).

ماده ۲۳ قانون احوال شخصیه تونس اصلاحی ۱۹۹۳ در خصوص تکالیف متقابل زوجین مقرر می دارد: «هریک از زوجین باید با دیگری به نیکی رفتار کند، به خوبی با او زندگی کند و از ضرر رساندن به وی بپرهیزد. زوجین تکالیف زناشویی خود را با توجه به عرف و عادت انجام می دهند. زن و شوهر برای هدایت امور خانواده، تربیت خوب فرزندان، همچنین اداره امور آنها از جمله تحصیل، سفر و معاملات مالی با یکدیگر همکاری می کنند. شوهر به عنوان رئیس خانواده، باید نفقه همسر و فرزندان را با توجه به تمکن مالی خود و وضعیت ایشان در خصوص اجزای نفقه بپردازد. زن اگر اموالی داشته باشد باید در تأمین هزینه های زندگی خانواده

1. Loi No. 1975-40 du 14 mai 1975, relative aux passeports et aux documents de voyage.

القانون عدد ۴۰ المؤرخ فی ۱۴ مای ۱۹۷۵ المتعلق بجوازات السفر و وثائق السفر.

مشارکت کند». به این ترتیب، این ماده تصمیم‌گیری در خصوص سفر فرزندان را از تکالیف مشترک والدین می‌داند.

۵. حقوق مراکش

در حقوق مراکش تا پیش از اصلاحات ۲۰۰۴، زنان برای خروج از کشور به اجازه پدر یا شوهر نیاز داشتند (Immigration and Refugee Board of Canada, 2004). به موجب اصلاحات قانون خانواده در سال ۲۰۰۴، زنان ازدواج کرده یا مجرد پس از رسیدن به سن رشد قانونی یعنی ۱۸ سال تمام شمسی (ماده ۲۰۹ قانون خانواده)^۱ بدون نیاز به اجازه فرد دیگری می‌توانند گذرنامه دریافت کرده، از کشور خارج شوند. بخشنامه مربوط به گذرنامه بیومتری مصوب ۲۰۰۸ نیز برای همه اتباع مراکش بدون اعمال تبعیض یا تفکیک بر اساس جنسیت یا وضعیت خانوادگی حق دریافت گذرنامه سفر شخصی را پیش‌بینی کرده است (ماده ۱). گفتنی است پیش از آن، بخشنامه وزارت کشور در سال ۱۹۹۴ نیز لزوم اذن شوهر برای دریافت گذرنامه را لغو کرده بود، اما این بخشنامه گاه از سوی مقامات اجرایی نادیده گرفته می‌شد (ADFM, 2003: 38).

۶. حقوق الجزایر

قانون اساسی الجزایر از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۶۲ بارها دستخوش اصلاحات شده است (An-Na'im, 2002: 165). قانون اساسی ۱۹۷۶ الجزایر^۲ در اصول ۳۹ تا ۴۲ خود به برابری زنان و مردان در برخورداری از حقوق و آزادی‌های اساسی و تکلیف دولت در تضمین این حقوق برای همه شهروندان تأکید دارد. همچنین قانون اساسی ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰ الجزایر^۳ در اصل ۴۹ بر حق جابه‌جایی شهروندان تصریح می‌کند. به موجب این اصل، «همه شهروندان حق انتخاب آزادانه محل اقامت خود و حرکت و نقل مکان آزادانه در قلمرو کشور را دارند. حق

۱. مدونه الاسره: ظهیر شریف رقم ۲۲-۱۰۴-۱ صادر فی ۱۲ من ذی الحجة ۱۴۲۴ (۳ فبرایر ۲۰۰۴) بتنفيذ القانون رقم ۰۳-۷۰۰ بمثابة مدونة الأسرة. الجريدة الرسمية رقم ۵۱۸۴ الصادرة يوم الخميس ۵ فبرایر ۲۰۰۴، ص ۴۱۸.

قابل دسترسی در: (<https://adala.justice.gov.ma/production/legislation/ar/civil/famillear.htm>)

۲. مرسوم رقم ۳۱۰-۲۰۰۸-۲ صادر فی ۲۳ من شوال ۱۴۲۹ (۲۳ اکتوبر ۲۰۰۸) المحدث بموجبه جواز السفر البيومترية. Décret n° 2-08-310 du 23 chaoual 1429 (23 octobre 2008) instituant le passeport biométrique.

۳. جمهوری الجزایر از زمان استقلال خود در سال ۱۹۶۲ قوانین اساسی متعددی داشته است. نخستین آن مربوط به سال ۱۹۶۳ است.

4. Journal Officiel de la République Algérienne No.° 82, 30 décembre 2020 (<https://www.joradp.dz/TRV/FConsti.pdf>).

ورود و خروج از قلمرو ملی برای همه تضمین شده است. هرگونه محدودیت برای این حقوق تنها برای مدت محدود و به موجب تصمیم مستدل مقام قضایی امکان‌پذیر است. این قانون در اصول متعددی چون اصل ۳۴، ۳۵ و ۳۷ بر برابری زن و مرد در برخورداری از حقوق اساسی و وظیفه دولت در برقراری شرایط لازم برای تحقق این امر تأکید دارد. به موجب اصل ۳۷ قانون اساسی مصوب ۲۰۲۰ این کشور، «شهروندان در برابر قانون برابرند و حق برخورداری از حمایت قانونی یکسان را دارند بدون امکان اعمال تبعیض به دلیل [شرایط] ولادت، نژاد، جنسیت، عقیده یا هرگونه شرایط یا وضعیت شخصی یا اجتماعی دیگر». در راستای اجرای اصول مقرر در قانون اساسی، قوانین الجزایر در دهه‌های گذشته شاهد تغییراتی در جهت ارتقای حقوق فردی و والدینی زنان و مادران بوده است.

در الجزایر در سال ۱۹۷۹، خروج زنان بدون همراهی پدر یا شوهر به موجب بخشنامه وزارتی ممنوع گردید، اما به دلیل اعتراضات صورت گرفته از سوی فعالان حقوق زنان، این ممنوعیت و حکم تبعیض‌آمیز سرانجام در مارس ۱۹۸۱ لغو شد (Hamel, 2006; Levy, 1997). در ادامه و پس از اصلاحات سال ۲۰۰۵ در قانون خانواده الجزایر، برخی قواعد حوزه خانواده در راستای حمایت از زنان دچار تحول شد. براساس اصلاحات صورت گرفته در سال ۲۰۰۵، زنان متأهلی که قصد سفر به خارج از کشور دارند دیگر نیاز به ارائه اجازه همسر ندارند. این اصلاحات همچنین این امکان را برای زنان مطلقه فراهم نمود که بتوانند اجازه‌نامه خروج از کشور فرزندان صغیر خود را امضا کنند. این درحالی است که پیش از اصلاحات نامبرده، تنها پدر می‌توانست اجازه خروج از کشور فرزندان را صادر کند (Ben, 2018).

قانون ۲۰۱۴ راجع به اسناد و مدارک سفر^۱ هیچ تفاوتی در خصوص مدارک موردنیاز برای شهروندان بالغ از جهت جنسیت یا وضعیت خانوادگی قائل نشده است. با وجود این، در فرم درخواست گذرنامه برای زنان شوهردار علاوه بر مشخصات متقاضی و والدین او، صرفاً ذکر نام و نام خانوادگی همسر نیز الزامی است؛ درحالی که برای مردان متأهل این الزام وجود ندارد (مواد ۶ و ۷).^۲ قانون خانواده در خصوص روابط زوجین و حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر در ماده ۳۶ اصلاحی ۲۰۰۵ بیان می‌دارد: «زوجین موظفند به: (۱) حفظ روابط زناشویی و تکالیف زندگی مشترک، (۲) معاشرت نیکو و احترام، مودت و رحمت متقابل، (۳) همکاری در خصوص حفظ مصالح خانواده و مراقبت از فرزندان و تربیت نیکوی ایشان، و (۴) تبادل نظر (تشاوری) در اداره

۱. قانون رقم ۰۳ - ۱۴ مؤرخ فی ۲۴ ربیع الثانی عام ۱۴۳۵ الموافق لـ ۲۴ فبرایر سنه ۲۰۱۴، يتعلق بسندات و وثائق السفر.

Loi n° 14-03 du 24 Rabie Ethani 1435 correspondant au 24 février 2014 relative aux titres et documents de voyage.

۲. سایت رسمی درخواست اسناد هویتی وزارت کشور جمهوری الجزایر، قابل دسترس: <https://passeport.interieur.gov.dz/Ar/Accueil/Accueil>

امور خانواده و فاصله‌گذاری در ولادت فرزندان [...]». در متن پیشین قانون خانواده ۱۹۸۴ در ماده ۳۹ تکلیف اطاعت از شوهر برای زن پیش‌بینی شده بود که در قانون جدید حذف شده است (Mahieddin, 2006: 44).

۷. حقوق مصر

موضوع لزوم إذن شوهر برای خروج زوجه از کشور، از مسائلی است که در محافل حقوقی و مراجع قضایی کشور مصر محل اختلاف و بحث بود. برخی لزوم وجود إذن شوهر را امری بدیهی و برگرفته از احکام شریعت می‌دانستند. این دسته به آیه شریفه «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم»^۱ و تکلیف تمکین زن از شوهر استناد می‌کردند. گروهی دیگر با توجه به تحولات جوامع در گذر زمان و وارد شدن زنان به عرصه اجتماع و فعالیت‌های حرفه‌ای و اجتماعی، این حکم را نیازمند تعدیل و بازبینی می‌دانستند. این اختلاف نظر در آرای قضایی نیز راه یافت.

سرانجام دیوان عالی قانون اساسی مصر به این اختلاف پایان داد و در حکمی که در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۰۰ (پرونده شماره ۲۴۳) صادر نمود، اعلام داشت مقرراتی که به مرد اجازه می‌دهد زن خود را ممنوع‌الخروج نماید، خلاف قانون اساسی است. دیوان عالی در حکم خود اعلام نمود مواد ۸ و ۱۱ قانون شماره ۹۷ سال ۱۹۵۹ و ماده ۳ مقرر وزارت امور داخلی (وزارت کشور) به شماره ۳۹۳۷ به تاریخ ۱۹۹۶ که مقرر می‌داشت برای صدور یا تمدید گذرنامه زن به‌منظور خروج از کشور إذن همسر ضروری است، خلاف اصل ۴۱ قانون اساسی است. در اصل ۴۱ قانون اساسی وقت مصر مصوب ۱۹۷۱ آمده است: «آزادی فردی یک حق طبیعی است که مصون از تعدی است مگر در موارد ارتکاب جرم. هیچ فردی را نمی‌توان بازداشت، بازرسی، توقیف و یا آزدیش را محدود کرد مگر در مواردی که مربوط به حفظ امنیت عمومی باشد یا بر اساس بررسی و تحقیق لازم‌الاجرا گردد. حکم مربوطه را بایستی قاضی با صلاحیت یا دادستان عمومی بر اساس مقررات قانونی صادر نماید». همچنین به‌موجب اصل ۴۰ ق.ا. ۱۹۷۱ این کشور، «تمامی شهروندان در مقابل قانون مساوی هستند. آنها بدون توجه به جنسیت، مذهب، زبان یا نژاد دارای حقوق و تکالیف عمومی مساوی‌اند»^۲.

۱. سوره نساء: ۳۴

۲. گفتنی است قانون اساسی در مصر دارای تاریخچه طولانی و البته تحولات بسیار است. نخستین قانون اساسی این کشور در سال ۱۸۷۹ به تصویب رسید. قانون اساسی ۱۹۷۱ مصر در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ مورد بازبینی قرار گرفت. هم‌اکنون قانون اساسی مصوب ۲۰۱۴ با اصلاحات صورت‌گرفته در سال ۲۰۱۹ معتبر و لازم‌الاجرا است. برای اطلاعات بیشتر پیرامون تاریخچه قانون اساسی مصر، ر.ک. مقاله‌ای با عنوان «تاریخ الدستور المصری» منتشر شده در سایت رسمی اطلاع‌رسانی دولت مصر به آدرس:

<https://www.sis.gov.eg/section/10/2128?lang=ar>

این حکم دیوان عالی مورد استقبال فعالان حقوق زنان در این کشور قرار گرفت. تا پیش از آن إذن همسر یا پدر برای خروج زن از کشور الزامی بود. در ادامه و در سال ۲۰۰۱ نیز تلاش‌هایی برای اصلاح قانون احوال شخصیه در این زمینه صورت گرفت و لایحه‌ای برای تضمین آزادی زنان برای خروج از کشور نوشته شد، اما سرانجام به تصویب نرسید.

در حکم دیوان عالی قانون اساسی همچنین آمده است که منعی وجود ندارد که در قوانین میان حق اساسی زنان برای سفر و جابه‌جایی و مقررات صدور، تمدید یا ابطال گذرنامه و احکام مربوط به وظایف زناشویی او در برابر خانواده تعادلی برقرار گردد. در همین راستا، ماده ۱ قانون ش. ۱ سال ۲۰۰۰ راجع به احکام دادرسی مسائل احوال شخصیه^۱ مقرراتی را برای فرض بروز اختلاف میان زوجین در خصوص سفر زوج یا زوجه پیش‌بینی کرد که بر اساس آن هریک از زوجین می‌تواند برای اختلافات پیرامون سفر دیگری به خارج از کشور به دادگاه احوال شخصیه (قاضی الأمور الوقتیة) مراجعه کند. قاضی پس از شنیدن سخنان طرفین حکم تجویز یا منع سفر زوج یا زوجه را صادر می‌کند. به این ترتیب، صدور ممنوعیت خروج تنها از سوی دادگاه امکان‌پذیر است و شوهر نمی‌تواند صرفاً از طریق مراجع اداری زن خود را ممنوع‌الخروج نماید (الشاذلی، ۲۰۱۶).

گفتنی است قانون اساسی کنونی مصر مصوب ۲۰۱۴ اصلاحی در اصل ۱۱ و ۵۳، به اصل برابری شهروندان در حقوق و آزادی‌ها و ممنوعیت هرگونه تبعیض از جمله به دلیل جنسیت تأکید دارد. اصل ۶۲ این قانون نیز ضمن تصریح به حق آزادی رفت و آمد بیان می‌دارد: «آزادی جابه‌جایی، اقامتگاه و مهاجرت باید تضمین گردد. [...] هیچ شهروندی نباید از خروج از قلمرو کشور منع گردد، در بازداشت خانگی قرار گیرد یا از اقامت در مکان مشخصی منع شود مگر به دلیل دستور قضایی مستدل برای مدت مشخص و در موارد معین در قانون».

ماده ۱ قانون شماره ۲۵ مصوب ۱۹۲۰ در خصوص احکام نفقه و برخی مسائل احوال شخصیه، مواردی را که زن می‌تواند از منزل زناشویی خارج شود بدون آنکه حق نفقه خود را ازدست بدهد بیان می‌کند که شامل مواردی می‌شود که رضایت صریح یا ضمنی شوهر برای آن وجود دارد. زن نیز می‌تواند شوهر کنونی یا پیشین خود را به دلیل عدم پرداخت دیون خود مانند نفقه و سایر حقوق مالی از طریق درخواست از دادگاه ممنوع‌الخروج نماید (حق الزوجه منع زوجها من السفر).

۸. حقوق کویت

دادگاه قانون اساسی کویت در حکم تاریخی خود در تاریخ سه‌شنبه ۲۰ اکتبر ۲۰۰۹ (معادل

بر اساس ترجمه فارسی قانون اساسی ۱۹۷۱ جمهوری مصر، قابل دسترس در سایت رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132290>

۱. القانون رقم السنه ۲۰۰۰ فی شأن تنظیم بعض أوضاع و إجراءات التقاضی فی مسائل الأحوال الشخصیه.

۲۸ مهر ۱۳۸۸)^۱، لزوم وجود إذن شوهر برای زن پیش از خروج از کشور را امری خلاف قانون اساسی و حقوق اساسی زن دانست (غریب، ۲۰۰۹). به موجب این حکم، بند نخست ماده ۱۵ قانون شماره ۱۱ مصوب ۱۹۶۲ راجع به گذرنامه^۲ که مقرر می‌داشت «گذرنامه مستقل برای زوجه صادر نمی‌شود مگر با رضایت شوهر»، خلاف قانون اساسی به‌ویژه مواد ۲۹، ۳۰ و ۳۱ آن راجع به حق برابری در مقابل قانون، آزادی فردی و حق رفت و آمد است؛ چراکه آزادی رفت و آمد و جابه‌جایی در هر زمان از حقوق اساسی هر شهروند است. این حکم تاریخی پس از آن صادر شد که یک همسر کویتی علیه شوهرش در دادگاه بدوی طرح دعوا کرده، استدلال نمود که بند قانونی یادشده «خلاف قانون اساسی» است. شوهر وی از دادن اجازه اخذ گذرنامه برای خود و فرزندان به وی با هدف جلوگیری از خروج ایشان از کشور خودداری کرد. دادگاه بدوی درخواست را به دادگاه قانون اساسی ارجاع داد.

ماده ۱۵ قانون گذرنامه مقرر می‌داشت: «به زن نمی‌توان گذرنامه جداگانه‌ای بدون رضایت شوهر اعطا کرد. به افراد محجور بدون رضایت نمایندگان قانونی آنها گذرنامه مستقل داده نمی‌شود». ماده ۹۶ قانون مدنی کویت سن رشد را سن ۲۱ سال میلادی کامل برای زن و مرد مقرر داشته است که پس از آن هر شخص اهلیت کامل برای هرگونه تصرف قانونی از جمله درخواست گذرنامه می‌یابد.

ماده ۳۱ قانون اساسی ۱۹۶۲ کویت درخصوص آزادی رفت و آمد (حریه التنقل) مقرر می‌دارد: «دستگیری افراد یا زندانی نمودن یا بازرسی آنها یا محدود کردن محل اقامت یا مقید ساختن آزادی اقامت یا رفت و آمد آنان جایز نیست، مگر طبق احکام قانون. و هیچ انسانی در معرض شکنجه یا رفتار توهین‌آمیز قرار نمی‌گیرد». همچنین مواد ۷، ۳۰ و ۲۹ قانون اساسی این کشور به برابری شهروندان، آزادی ایشان و ممنوعیت تبعیض به دلیل جنسیت تأکید دارد^۳. دادگاه قانون اساسی در رأی خود چنین استدلال کرده است: «قوانین اسلامی آزادی رفت و آمد را یک قاعده عام قرار داده است (مستفاد از آیات مختلف قرآن چون آیه ۱۱۲ سوره توبه، آیه ۱۱ سوره انعام و آیه ۱۵ سوره ملک که توصیه عام به سفر و گردش در زمین برای تدبیر،

۱. حکم المحكمة الدستورية رقم (۲۵۶)، بتاريخ الأول من شهر ذو القعدة ۱۴۳۰ هـ الموافق ۲۰ من أكتوبر ۲۰۰۹ م. متن کامل رأی دادگاه در سایت رسمی مجلس ملی کویت قابل دسترسی است:

<http://www.kna.kw/cit-html5/run.asp?id=1620>

۲. قانون رقم ۱۱ لسنة ۱۹۶۲ فی شأن جوازات السفر (۱۱/۱۹۶۲).

۳. ماده ۲۹ قانون اساسی کویت: «افراد مردم در شخصیت انسانی برابرند و در حقوق و تکالیف عمومی در برابر قانون مساوات دارند و بخاطر جنس و یا نژاد و یا زبان و دین نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا دانست». ماده ۳۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «آزادی فردی تضمین شده است». ماده ۷ قانون اساسی کویت بیان می‌دارد: «عدالت، آزادی و برابری و مساوات پایه‌های اجتماع بوده، همکاری و همیاری نسبت به یکدیگر پیوند مستحکمی در میان هموطنان است».

عبرت‌آموزی، تعلم و کسب روزی می‌کند) و اعمال محدودیت بر آن امری استثنایی است که فقط در موارد ضرورت- به میزان لازم- و برای مصالح عمومی با هدف محافظت از عقاید اسلامی، حفظ سلامت عمومی، یا حفظ حیثیت و آداب اسلامی امکان‌پذیر است».

دادگاه همچنین افزود: «هر کوییتی، مرد باشد یا زن، حق دریافت و همراه داشتن گذرنامه را دارد، با توجه به اینکه این حق نه‌تنها نشانگر تعلق وی به دولت کویت است؛ بلکه علاوه بر این، مظهري از مظاهر آزادی شخصی است که قانون اساسی کویت به‌عنوان یک حق طبیعی آن را با متون خود مصون داشته و با اصول خود از آن محافظت می‌کند». «انتقال از مکانی به مکان دیگر، خروج از کشور و بازگشت به آن، شاخه‌ای از آزادی شخصی تلقی می‌شود و یک حق اصیل برای آن تعیین شده است، که اکثر قوانین اساسی در دنیا بر آن تأکید دارند، و عهدنامه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی که دولت کویت به آنها پیوسته است، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸، آن را تضمین کرده‌اند». «درحالی که متن قانونی مورد اعتراض برخلاف این مقرر داشته، به این ترتیب که اصل را عدم جواز زوجه برای دریافت گذرنامه مستقل قرار داده است، مگر در صورت رضایت شوهر. این امر زوجه بالغ رشید را از حق دریافت گذرنامه مستقل محروم می‌سازد به‌گونه‌ای که نمایانگر از بین بردن اراده او، توهین (تجاوز) به انسانیت وی، و بنابراین بدون دلیل موجه محدودکننده آزادی و حق رفت و آمد او می‌باشد».

دادگاه در حکم خود تصریح کرد که «استقلال شخص زن لزوماً به معنای نافرمانی او از شوهرش نیست، و هیچ دلیلی وجود ندارد مبنی بر اینکه گرفتن گذرنامه مستقل به‌خودی خود به زیان مصالح خانواده باشد، رابطه او با همسرش را تضعیف کرده، نقش شوهر را کاهش دهد، یا حقوق مشروع او را سلب کند». به این ترتیب، این حکم به معنای لغو نقش شوهر در زندگی زناشویی نیست، بلکه تنها با هدف به‌رسمیت شناختن حق زن در دریافت گذرنامه، رفت و آمد و مسافرت به‌عنوان یک حق اساسی برای افراد انسان صادر شده است.

دادگاه قانون اساسی کویت همچنین در تأیید نظر خود بیان می‌دارد که قانون احوال شخصیه شماره ۵۱ مصوب سال ۱۹۸۴ در ماده ۸۸ تصریح کرده است که اجرای جبری حکم لزوم تمکین بر زن مجاز نیست و کافی است آثار نشوز بر زوجه تحمیل گردد، از جمله محرومیت زوجه از نفقه (ماده ۸۷ ق.ا.ش) و حق زوج برای درخواست طلاق از دادگاه به دلیل وجود ضرر (التفرق للضرر) با محروم شدن زوجه از بخشی از حقوق مالی خود چون مهریه (ماده ۱۲۶ و بند «ب» ماده ۱۳۰ ق.ا.ش).

گفتنی است ماده ۹۱ ق.ا.ش تصریح دارد که «زوجه می‌تواند با فرد محرمی برای انجام فریضه حج سفر کند؛ هرچند زوج إذن نداده باشد و زوجه [در این صورت] مستحق نفقه حضر برای مدت سفر خواهد بود». همچنین به‌موجب ماده ۸۹ ق.ا.ش، «خروج زوجه برای امور مشروع یا کار مباح تا زمانی که کار او منافی مصلحت خانواده نباشد، نشوز به‌شمار نمی‌رود».

۹. حقوق اردن

قانون گذرنامه اردن مصوب ۱۹۶۹ در ماده ۱۲ پیش‌بینی کرده بود که صدور گذرنامه عادی مستقل برای زوجه یا فرزندان صغیر به‌منظور سفر به خارج از کشور منوط به اجازه مکتوب شوهر یا ولی است. اما این ماده قانونی در سال ۲۰۱۳ منسوخ شد و از آن پس به‌موجب اصلاح صورت‌گرفته، زن نیز مانند مرد بدون نیاز به اذن همسر می‌تواند از کشور خارج شود؛ به این ترتیب، امروزه زن و مرد در خصوص صدور گذرنامه مستقل در جایگاه برابر قرار دارند. همچنین به‌موجب ماده ۱۱ این قانون، گذرنامه عادی صادره برای شوهر می‌تواند شامل زوجه و فرزندان صغیر زیر شانزده سال او باشد.

حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر عمدتاً در مواد ۳۹ تا ۷۹ قانون احوال شخصیه اردن ش. ۱۵ مصوب ۲۰۱۹ آمده است. به‌موجب این قانون، هریک از زوجین ملزم به حسن معاشرت، رفتار نیکو و وفاداری (احسان) نسبت به دیگری، و همچنین احترام، دوستی و همدردی (دلسوزی) متقابل و حفظ مصلحت خانواده است (ماده ۷۷). شوهر نباید مانع دیدار زوجه با خانواده (والدین، اجداد، اولاد، خواهر و برادر) خود به نحو متعارف شود و زوجه باید در امور مباح مطیع همسر خود باشد (ماده ۷۸). پرداخت نفقه همسر متناسب با تمکن مالی شوهر با رعایت نیازهای متعارف و ضروری زوجه به‌عهده شوهر است (مواد ۵۹ تا ۷۱ ق.ا.ش). «شوهر باتوجه به وضعیت مالی‌اش، مسکن و اثاث منزل متناسب را در محل اقامت یا کارش فراهم می‌کند و زن پس از گرفتن مهریه حال (معجل) خود، باید به پیروی از شوهر در آن محل زندگی کند و به هر مکانی که شوهر برگزید حتی خارج از کشور، منتقل شود، مشروط به آن که مورد اعتماد و ایمن بوده و در ضمن عقد شرط خلاف دیگری نشده باشد. چنانچه زن از این امر سرپیچی کند از حق نفقه محروم خواهد شد» (ماده ۷۲). «مسکن باید به‌گونه‌ای باشد که زوجه بتواند در آن مصالح دینی و دنیایی خود را اقامه کند و جان و مالش در آنجا در امان باشد» (ماده ۷۳).

۱۰. حقوق افغانستان

قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲ در ماده ۲۲ راجع به برابری همه شهروندان اعم از زن و مرد مقرر می‌دارد: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می‌باشند». همچنین ماده ۳۹ ق.ا.

۱. قانون جوازات السفر رقم ۲ لسنة ۱۹۶۹. قابل دسترسی در سایت «دیوان التشریح و الرای»:

<http://www.lob.jo/?v=1.14&url=ar/Home>

راجع به حق آزادی جابه‌جایی و خروج از کشور تصریح دارد: «هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند [...]».

احکام مربوط به نحوه و شرایط صدور گذرنامه در قانون پاسپورت افغانستان مصوب ۱۳۹۴ آمده است. بر اساس این قانون، افراد پس از رسیدن به سن رشد - یعنی ۱۸ سال تمام - به‌طور مستقل می‌توانند درخواست صدور گذرنامه دهند. زنان بالغ مجرد و شوهرکرده برای خروج از کشور و گرفتن گذرنامه نیاز به اجازه شوهر ندارند (ماده ۱۹ قانون پاسپورت در خصوص مدارک لازم برای صدور پاسپورت)^۲. البته با تحولات اخیر در افغانستان و تسلط گروه طالبان بر این کشور، احتمال تغییر قانون اساسی و به تبع آن، قوانین عادی در این کشور در راستای ایجاد محرومیت و محدودیت‌های گسترده برای زنان وجود دارد^۳. در همین راستا، سخنگوی دولت موقت طالبان در اسفند ۱۴۰۰ ضمن اعلام محدودیت‌های جدید برای خروج از کشور برای تمامی شهروندان افغانستان، بیان داشت از این پس، زنان بدون همراهی محرم اجازه خروج از کشور را ندارند. این محدودیت‌ها پیش‌تر برای تردد انفرادی زنان در سفرهای داخلی افغانستان نیز وضع شده بود (خبرگزاری اسپوتنیک، ۱۴۰۰/۱۲/۰۹).

۱۱. حقوق عربستان سعودی

عربستان سعودی از شناخته‌شده‌ترین کشورها در زمینه برخورداری از مقررات ناقض حقوق زنان است که مهم‌ترین این قوانین وجود «نظام ولایت مردان بر زنان» (نظام ولایة الرجل علی المرأة) در نظام حقوقی این کشور است که به‌موجب آن، موافقت ولی امر زن برای تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی او ضروری است. ولی امر (ولی الامر) عبارت است از شوهر، پدر یا برادر یا هر مرد بالغ دیگر در خانواده، مانند فرزند پسر در نبود شوهر. این ولایت به نحوی است که بر همه شئون زندگی زن از تولد تا وفات سایه افکنده و زن را به مرتبه انسان صغیر تنزل داده است. مقررات مربوط به ولایت مردان بر زنان خانواده عمدتاً به صورت متون قانونی رسمی نبوده، بلکه برگرفته از آرای فقهی است.

۱. قانون پاسپورت: فرمان تقنینی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان شماره ۷۸ تاریخ ۱۴/۶/۱۳۹۴ وزارت عدلیه. متن قابل دسترسی در لینک (<http://law.acku.edu.af/fa/download/file/fa/19356/78166>)
۲. سایت رسمی بخش کنسولی وزارت امور خارجه افغانستان: <https://www.econsulate.gov.af/passport.html> مصاحبه با خانم رحیمی کارشناس حقوقی سرکنسولگری جمهوری اسلامی افغانستان در مشهد، ۲۴ مرداد ۱۴۰۰.
۳. مصاحبه با خانم مژگان نامه عظیمی وکیل دادگستری در هرات افغانستان و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۴۰۰.

در عربستان سعودی، در سال‌های اخیر شاهد تعدیل نظام ولایت مردان بر زنان خانواده بوده‌ایم. در این راستا، به‌موجب فرمان سلطنتی به تاریخ ۲۷ ذی‌قعدة ۱۴۴۰ (برابر با ۳۰ جولای ۲۰۱۹م. و ۸ مرداد ۱۳۹۸ش)^۱، زنان بالای ۲۱ سال حق مسافرت به خارج از کشور را بدون نیاز به داشتن اجازه ولی (شوهر، پدر یا برادر) کسب کردند. این حکم سلطنتی در روزنامه رسمی این کشور در تاریخ ۲ جولای ۲۰۱۹ منتشر شده است.^۲ این تحولات عمدتاً در چارچوب برنامه تحول اقتصادی کشور و چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی^۳، با هدف افزایش نقش اقتصادی زنان در جامعه و مشارکت ایشان در بازار کار (هدف ۲۴ برنامه) صورت گرفته است (UN expert, 2017).

۱۲. حقوق ایران

در حقوق ایران، به‌موجب بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۵۱، زنان شوهردار ولو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر می‌توانند گذرنامه دریافت کنند. این حکم پیش از آن در ماده ۱۱ قانون تذکره (گذرنامه) مصوب ۲۰ دی ۱۳۱۱ نیز پیش‌بینی شده بود.^۴ همچنین شوهر می‌تواند حتی پس از صدور گذرنامه از اجازه خود عدول کند که در این صورت، از خروج دارنده گذرنامه جلوگیری و گذرنامه تا رفع مانع ضبط خواهد شد (ماده ۱۹ قانون گذرنامه). گفتنی است زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده، به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از این شرط مستثنی هستند (فلاحی، ۱۳۹۷: ۴۱).

در موارد اضطراری، زنانی که از سوی همسر ممنوع‌الخروج می‌شوند، می‌توانند با مراجعه به دادسرای محل سکونت خود از مقام دادستان تقاضای رفع ممنوعیت خروج خود را نمایند. در این صورت، دادستان مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا رد آن حداکثر ظرف سه روز اعلام دارد. این فرایند قضایی هرچند می‌تواند گاه راه‌حلی برای مشکل خروج زنان از کشور

۱. الامر السامی رقم (م/۱۳۴) مورخ ۱۴۴۰/۱۱/۲۷ القاضی بالموافقه علی قرار مجلس الوزراء رقم (۶۸۴) و تاریخ ۱۴۴۰/۱۱/۲۷ بتعدیل نظامی واثق السفر و الاحوال المدنیة.

۲. ام القرى (https://www.uqn.gov.sa).

۳. أم القرى هی أول جريدة تصدر فی المملكة العربية السعودية الحديثة وهي كذلك الجريدة الرسمية للمملكة. برنامج التحول الوطني، رؤية السعودية ۲۰۳۰.

۴. برای توضیحات بیشتر در خصوص برنامه، نک: سایت رسمی برنامه تحول عربستان سعودی (https://www.vision2030.gov.sa/ar)

۴. ماده ۱۱ قانون تذکره مصوب ۲۰ دی ۱۳۱۱ مقرر می‌دارد: «برای یک خانواده (زن و شوهر و یا هریک از آنها) با اولاد کمتر از هجده سال می‌توان یک تذکره صادر نمود و معادل قیمت یک تذکره دریافت داشت. صدور تذکره علیحده برای زوجه به تنهایی یا با اولاد کمتر از هجده سال منوط به اجازه زوج خواهد بود». این قانون به‌موجب ماده ۴۲ قانون گذرنامه ۱۳۵۱ منسوخ گردید.

باشد، اما محدودیت‌ها و مشکلات بسیاری به‌همراه دارد، همچون (۱) وجود تفاسیر مختلف از واژه «اضطرار» نزد مراجع قضایی و مشخص نبودن مصادیق آن، (۲) دشوار و زمان‌بر بودن روند قضایی، (۳) ورود خسارات جبران‌ناپذیر به زن مانند ازدست دادن موقعیت شرکت در مسابقه یا نشست علمی مشخص، و (۴) امکان مخالفت دادستان با درخواست زوجه.

با وجود این، زنان می‌توانند از طریق شروط قراردادی ضمن عقد نکاح یا عقد لازم خارج دیگر، چنین اجازه‌ای را با شوهر شرط کنند. شوهر می‌تواند طی یک وکالت‌نامه رسمی به زوجه برای انجام امور مربوط به گذرنامه و موافقت برای خروج از کشور برای مدت مشخص یا نامحدود وکالت بلاعزل دهد. این راه‌حل قراردادی نیز با مشکلات مختلفی روبه‌رو است؛ از جمله نحوه نگارش متن وکالت‌نامه، نحوه برخورد و تلقی خانواده‌ها از این درخواست، اعتبار و قابلیت اجرایی و استنادی آن در مراجع اداری و قضایی کشور. این امر کارایی عملی شروط قراردادی را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است.

در خصوص صدور گذرنامه برای بانوان شهرداری که قصد تشریف به مکه معظمه را دارند و با ممانعت شوهر خود مواجه می‌شوند، شورای نگهبان در پاسخ به پرسش مطرح‌شده از سوی وزارت کشور (و سازمان حج و زیارت)، در تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۶۳ نظریه خود را به شماره ۱۳۵۲ اعلام داشت مبنی بر اینکه «اطلاق [بند ۳] ماده ۱۸ قانون گذرنامه [پیرامون ضرورت مجوز کتبی شوهر] نسبت به بانوانی که حجه‌الاسلام بر ذمه دارند با موازین شرعی مغایرت دارد»^۱. دادستان قانوناً برای اخذ تضمین از افرادی که در اجرای مقررات بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه مجوز خروج از کشور را دریافت می‌نمایند، اختیاری ندارد و صرفاً در صورت تشخیص مورد اضطرار با قبول درخواست به زنان شهردار مجوز صدور گذرنامه را به استناد بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه صادر می‌نماید.^۲

در خصوص زنانی که شوهر ایشان غایب یا محجور هستند قانون سکوت دارد. باید گفت در این موارد نمی‌توان برای قیم یا امین شوهر سمت نیابت در زمینه صدور مجوز خروج زوجه را به رسمیت شناخت. همچنین نمی‌توان قائل به جایگزینی دادستان به‌جای شوهر و اختیار وی در این تصمیم‌گیری شد. زیرا با توجه به مقررات قانون مدنی و قانون امور حسبی، اجازه خروج از کشور زوجه از اختیارات قیم محجور یا امین غایب نمی‌باشد؛ همچنان که در خصوص اذن نکاح دختر باکره رشیده در صورت غیبت ولی قهری (ماده ۱۰۴۴ ق.م). به‌علاوه، اصل کلی، اهلیت زوجه بالغ عاقل رشید برای استیفای حقوق مدنی خود است (مواد ۹۵۸ و ۱۲۱۰ ق.م) و ایجاد

۱. قابل دسترسی در سامانه جامع نظریات شورای نگهبان:

(<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/fmShenasname.aspx?id=byPAd6EDz1E=&TN=sLn161hHMMy3umtCiuWPwQfiDA2AcL+Ge.>)

۲. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۱۳۲۹، به تاریخ ۱۳۸۹/۰۳/۲۴.

محدودیت برای اجرای حقوق و آزادی فردی نیاز به تصریح قانونی دارد. همچنین هدفی که قانون گذار از اعمال این محدودیت هرچند قابل نقد دنبال کرده، با غیبت یا حجر شوهر منتفی است و اصل آزادی فردی و اهلیت کامل افراد اقتضا می‌کند زوجه به‌طور مستقل قادر به درخواست گذرنامه باشد. بنابراین در این فرض، احراز غیبت یا حجر شوهر در مرجع قضایی صالح کافی است و دیگر نیاز به صدور مجوز خروج از سوی مقام دادستان نخواهد بود.

به‌طور کلی در نظام حقوقی ایران، زنان ازدواج کرده و مادران از بسیاری اختیارات و حقوق در امور مهم زندگی خود و فرزندانشان محروم‌اند. دلیل این امر عمدتاً این است که برابر قوانین کنونی، ریاست بر خانواده از خصائص شوهر است (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی) و ولایت تنها به پدر و جد پدری اختصاص یافته است (ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی). بنابراین مادر ایرانی از دو جایگاه اساسی مدیریت خانواده و ولایت بر فرزند محروم است (صفایی و امامی، ۱۳۹۸: ۴۵۱). این امر موجب می‌شود در موارد متعددی چون بحث خروج از کشور، آزادی فردی و اهلیت حقوقی ایشان نادیده گرفته شود و قانون با زنان رفتاری مشابه صغار و محجورین داشته باشد.

دلایلی چون حفظ کیان خانواده، مورد تأکید اصل ۱۰ و ۲۱ ق.ا. و تضمین تعهدات زناشویی نیز نمی‌تواند مبنای قوانین محدودکننده حق خروج از کشور صرفاً نسبت به زنان باشد. ازدواج تعهدات متقابلی برای زوجین به همراه دارد. مردان نیز تکالیف و وظایف متعددی در امور مالی و غیرمالی در برابر همسر و فرزندان خود دارند که در صورت خروج ایشان از کشور انجام این تکالیف می‌تواند با خلل همراه شود و حقوق زوجه و فرزندان تضییع گردد؛ امری که در بیشتر موارد تضمینی برای آن در قوانین پیش‌بینی نشده است. برابری در مقابل قانون از اساسی‌ترین حقوق انسانی است. اصل برابری در آموزه‌های اسلام نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (احمدی‌نژاد و امین‌الرعا، ۱۳۹۹: ۴۰۸).

امروزه تبعیض‌های جنسیتی و افراط و تفریط‌های بسیار در قوانین خانواده ایران نه‌تنها کمکی به تحکیم خانواده و پایداری روابط زوجین نمی‌کند، بلکه موجب نگرانی از تشکیل خانواده، سخت‌گیری‌های بسیار در گزینش همسر، تعیین مهریه‌های سنگین به‌عنوان تضمین حقوق زن، ایجاد تنش در روابط خانوادگی حتی پیش از وقوع نکاح (به‌مناسبت توافق بر شروط ضمن عقد یا میزان و نوع مهریه) و تضییع حقوق فردی زوجین به‌خصوص زنان در دوران زندگی مشترک گردیده است (ثمنی و نعیمی، ۱۳۹۸: ۲۴۱)؛ از این رو، رسیدن به این هدف مقدس ابزارهای قانونی جدیدی را می‌طلبد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۰ و ۲۱ بر تضمین و حفظ حقوق زنان تأکید دارد. سلب استقلال عمل از زنان برای خروج از کشور پس از ازدواج و منوط کردن آن به‌طور مطلق در همه سنین و شرایط به اجازه شوهر، نه‌تنها متضمن توهین به جایگاه انسانی زن است، بلکه می‌تواند ناقض حقوق اساسی ایشان به‌ویژه حق سفر و جابه‌جایی، حق تحصیل، حق اشتغال،

و حق مالکیت و اداره مستقل اموال باشد. چنانچه امور خانوادگی، ادامه تحصیل، انجام فعالیت‌های پژوهشی و تحصیلی، امور حرفه‌ای یا اداره اموال زن مستلزم خروج وی از کشور باشد، ممانعت شوهر نقض حقوق اساسی زن خواهد بود. فرازهای مختلف دیگر قانون اساسی می‌تواند برای حمایت از حق آزادی رفت و آمد زوجه مانند دیگر شهروندان مورد استناد قرار گیرد از جمله:

- بند ۱۴ اصل ۳ ق.ا. بر تکلیف دولت برای تأمین حقوق همه‌جانبه افراد جامعه تأکید دارد.
- در اصل ۱۹ این قانون به برخورداری همه شهروندان از حقوق مساوی اشاره دارد.
- در اصل ۳۰ و بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی بر لزوم تأمین نیازهای اساسی همگان از جمله آموزش و پرورش تأکید شده است.
- حق اشتغال برای همه شهروندان و لزوم حمایت از آن نیز در اصل ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است.
- برابر قوانین، زن می‌تواند مستقلاً دارایی خود را اداره نماید (مواد ۳۰ و ۱۱۱۸ قانون مدنی). اصل ۴۷ ق.ا. در خصوص احترام به حق مالکیت شخصی برای سفرهای زنان به دلیل حرفه‌ای یا اقتصادی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.
- اصل ۳۳ در خصوص آزادی تعیین محل اقامت.
- اصل ۱۵۴ در خصوص حق همه افراد در برخورداری از استقلال و آزادی.
- اصل ۱۵۶ در خصوص وظیفه قوه قضاییه در حمایت از آزادی‌های مشروع شهروندان.

قوانین کنونی همچنین زمینه‌ساز سوءاستفاده شوهر از حق خویش است. وجود اختیارات گسترده برای شوهر در خانواده زمینه سوءاستفاده گسترده از آن را نیز به‌ویژه در زمان اختلاف زوجین فراهم می‌سازد. بسیار مشاهده شده که شوهر از اختیارات خود به ناحق به‌عنوان ابزار آزار، اعمال فشار یا انتقام‌جویی در قبال همسر استفاده کرده است و گاه شاهد پدیده باج‌خواهی شوهر از زن در قبال اعطای حقوق اساسی زن به او مانند خروج از کشور هستیم. بررسی پرونده‌های درخواست خروج از کشور زوجه در دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ مشهد در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد در برخی موارد شوهران در قبال صدور اجازه خروج از کشور همسر بذل بخشی یا همه مهریه یا حتی پرداخت مال دیگری به او را درخواست می‌کنند. به‌موجب اصل ۴۰ قانون اساسی و قاعده فقهی لاضرر هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد. بی‌شک توجه به این قاعده در مرحله تدوین قوانین نیز بسیار اهمیت دارد؛ به این معنا که قانون‌گذار لازم است قوانینی که ضرری هستند و موجبات سوءاستفاده گسترده و تضییع حقوق افراد جامعه را فراهم می‌کنند به استناد این قاعده به تصویب نرساند و در صورت وجود، از درجه اعتبار ساقط گرداند. در خصوص تازه‌ترین تلاش‌ها برای اصلاح این قانون می‌توان به دو مورد اشاره کرد: نخست، لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت، و دوم، لایحه تنظیمی معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری. متن اولیه «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» تنظیمی قوه قضاییه که

در شهریور ۱۳۹۸ به هیئت دولت ارسال شد به مسئله خروج زنان از کشور نپرداخته، اما متن اصلاحی و ارسالی این لایحه از دولت به مجلس در ۲۴ دی ۱۳۹۹ در ماده ۵۷ پایانی احکامی را در این زمینه پیش‌بینی کرده است که متأسفانه حاوی حمایت و نوآوری ویژه و کارآمدی از زنان نیست، بلکه خود می‌تواند شرایط خروج زنان را با دشواری بیشتری مواجه سازد. اقدام دیگر «لایحه اصلاح بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه ۱۳۵۱ و الحاق پنج تبصره به مواد ۱۸ و ۱۹ آن» تنظیمی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری ارائه شده به هیئت دولت در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۴۰۰، برای بررسی در کمیسیون لوایح دولت است. این لایحه نیز با پذیرش اصل لزوم اذن پیشینی شوهر برای خروج زوجه، تنها برخی موارد معافیت را پیش‌بینی کرده است. به این ترتیب، متأسفانه هیچ‌یک از این تلاش‌های اخیر کارایی لازم را نداشته، تضمین‌کننده عدالت و برابری میان شهروندان نخواهند بود.

نتیجه

حق برخورداری از آزادی رفت و آمد و تعیین اقامتگاه از حقوق اساسی افراد بشر است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری و همچنین در حقوق کشورهای مختلف از جمله کانادا (بند ۱ ماده ۶ منشور حقوق و آزادی‌های کانادا)^۱، سوئیس (اصل ۱۰ و ۲۴ قانون اساسی فدرال)، ترکیه (اصل ۲۳ قانون اساسی)، مصر (اصل ۶۲ قانون اساسی مصوب ۲۰۱۴)، افغانستان (اصل ۳۹ قانون اساسی)، کویت (ماده ۳۱ قانون اساسی) و الجزایر (اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۲۰۲۰) به رسمیت شناخته شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این حق تصریح ندارد. بی‌شک این حق مطلق نبوده، در همه کشورهای متناسب با شرایط زمان و مکان، محدودیت‌هایی برای آن مقرر شده است. آنچه مهم است ممنوعیت اعمال تبعیض مبتنی بر جنسیت و وضعیت خانوادگی در خصوص تعیین محدودیت‌های این حق اساسی است.

قوانین اسلامی نیز آزادی رفت و آمد را یک قاعده عام قرار داده‌اند؛ همچنان که قرآن کریم عموم انسان‌ها را به سفر و گردش در زمین برای تدبیر، عبرت‌آموزی، تعلم و کسب روزی توصیه می‌کند (مستفاد از آیات مختلف قرآن چون آیه ۱۱۲ سوره توبه، آیه ۱۱ سوره انعام و آیه ۱۵ سوره ملک) (ر.ک. متن رأی دادگاه قانون اساسی کویت).

هرچند قریب به اتفاق کشورهای مورد مطالعه در گذشته قوانین محدودکننده‌ای در زمینه خروج زوجه از کشور داشته‌اند، اما در گذر زمان و در راستای حمایت از حقوق زوجه، قوانین در همه کشورهای به‌جز ایران اصلاح شده است. اصلاح قوانین این کشورها با هدف به‌رسمیت شناختن استقلال و اهلیت کامل زوجه برای خروج از کشور و لغو لزوم اجازه قبلی شوهر به ترتیب به شرح زیر صورت گرفته است: فرانسه در سال ۱۹۳۸، تونس در سال ۱۹۷۵، مصر در

1. Charte canadienne des droits et libertés.

سال ۲۰۰۰، مراکش در سال ۲۰۰۴، الجزایر در سال ۲۰۰۵، کویت در سال ۲۰۰۹، اردن در سال ۲۰۱۳، و عربستان سعودی در سال ۲۰۱۹.

امروزه، قوانین کشور فرانسه و ترکیه برابری کامل میان زوجین را در حقوق و تکالیف زناشویی به طور کلی و در موضوع خروج از کشور به طور خاص پیش‌بینی کرده‌اند. در حقوق دیگر کشورهای مورد بررسی و متأثر از قواعد فقه اسلام، حقوق و تکالیف زوجین با اختلافاتی، به طور متفاوت و غیریکسان تعریف شده است. اما در موضوع خروج از کشور، در قوانین این کشورها به جز ایران احکام کم‌وبیش مشابهی بر زن و مرد حاکم است. به این ترتیب، قوانین کشور ما در این زمینه از تبعیض‌آمیزترین قوانین عصر حاضر به‌شمار می‌رود و حتی در میان کشورهای مسلمان نیز از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست.

هرچند در قوانین کشورهای نامبرده استقلال زن و مرد برای خروج از کشور به رسمیت شناخته شده است، اما راهکارهای قانونی گوناگونی به‌عنوان قواعد عمومی ضمانت اجرای تعهدات زناشویی و گاه قواعد اختصاصی ویژه خروج از کشور پیش‌بینی شده است که می‌توان به‌اختصار به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) امکان پیگرد قضایی همسر. برای نمونه، به‌عنوان جرم ترک خانواده مقرر در ماده ۳-۲۲۷ قانون مجازات فرانسه، و جرم ترک وظایف همسری و خانوادگی از سوی همسر، موضوع ماده ۲۳۳ قانون مجازات ترکیه.

(۲) امکان مطالبه طلاق از دادگاه از سوی همسر دیگر. برای مثال، به دلیل تقصیر یا تخریب رابطه زناشویی موضوع ماده ۲۲۹ قانون مدنی فرانسه، و به دلیل «ترک زندگی خانوادگی برای بیش از ۶ ماه بدون دلیل موجه» موضوع ماده ۱۶۴ قانون مدنی ترکیه.

(۳) محرومیت زوجه از حق نفقه (موضوع ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی ایران، مواد ۶۰ و ۶۲ قانون احوال شخصیه اردن).

(۴) امکان درخواست ممنوع‌الخروجی همسر از دادگاه (حقوق مصر و کویت).

گفتنی است در حقوق ایران نیز امکان مطالبه ممنوع‌الخروجی شوهر از کشور از دادگاه یا اداره اجرایی ثبت به دلیل عدم پرداخت دین مالی به همسر به‌ویژه دین مهریه وجود دارد (ماده ۱۷ قانون گذرنامه، مواد ۱۷ و ۲۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). به‌تازگی، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی خود به شماره ۲۹۶۵ مورخ ۹ بهمن ۱۴۰۰، بخشنامه شماره ۱۰۲۹۱/۹۹ مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۹ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مبنی بر «عدم رفع ممنوع‌الخروجی به صرف حکم اعسار مدیون» را ابطال کرد. بنابراین، با ثبوت اعسار محکوم‌علیه اعم از اینکه حکم دادگاه پس از صدور اجرائیه ثبتی باشد یا غیر آن، دلیلی بر بقای قرار ممنوعیت خروج از کشور نیست و امکان رفع ممنوع‌الخروجی شوهر وجود دارد. اما در حقوق برخی کشورها چون فرانسه و ترکیه امکان منع خروج از کشور همسر به‌عنوان

ضمانت اجرای وظایف زناشویی و خانوادگی وجود ندارد. به‌طور کلی منع بدهکار مالی از خروج از کشور به دلیل عدم پرداخت دین در حقوق اروپایی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در رأی خود به تاریخ ۱۱ می ۲۰۲۱ علیه کشور اوکراین، این کشور را به دلیل نقض حق آزادی رفت و آمد مقرر در ماده ۲ پروتکل شماره ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نسبت به بدهکاران مالی ممنوع‌الخروج شده محکوم نمود.^۱

۵) امکان مطالبه تضمین لازم از همسر از طریق دادگاه پیش از خروج او از کشور. امروزه تسهیل و گسترش روابط بین‌المللی اقتضا دارد حق سفر و خروج از کشور آزادانه به‌طور یکسان برای همه شهروندان به رسمیت شناخته شود و تضمین گردد. محدودیت‌های قانونی در خروج از کشور به دلیل تعهدات خانوادگی یا حرفه‌ای و یا به دلایل قضایی، امنیتی و سیاسی نیز باید با رعایت برابری و انصاف به دور از افراط و تفریط و تبعیض ناروا اعمال گردد. امید است قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران همسو با سایر قانون‌گذاران دنیا و به‌منظور رعایت عدالت و انصاف، حقوق فردی، خانوادگی و شهروندی زنان و مادران کشور را از طریق اصلاح قوانین تضمین نماید و مقام ایشان را آن‌چنان که شایسته است در قوانین پاس دارد. آنچه مورد انتظار جامعه امروز ایران است اصلاح قانون در جهت به رسمیت شناختن اهلیت استیفای زنان شوهرکرده است. این اصلاح باید در جهت برابری زن و مرد در این زمینه و حذف لزوم إذن پیشین شوهر برای صدور یا تمدید گذرنامه زوجه و خروج او از کشور باشد. پایبندی به تعهدات زناشویی و خانوادگی مستلزم محرومیت زن یا مرد از حقوق فردی و اهلیت حقوقی نیست. در صورت بروز اختلاف راجع به مسئله خروج هریک از زوجین از کشور، ضروری است به استفاده از روش‌های حل دوستانه اختلاف مانند مشاوره یا میانجیگری توجه ویژه شود؛ همچنان که قانون مدنی سوئیس در مواد ۱۷۱ و ۱۷۲ به این امر تأکید دارد.^۲ البته مناسب است در موارد استثنایی و در صورت لزوم و اقتضای تعهدات زناشویی، هریک از زوجین بتواند اعمال برخی محدودیت‌ها یا گرفتن تأمین مناسب در حد ضرورت را برای خروج همسر خود از

1. CEDH, affaire STETSOV c. Ukraine, Requête no 5170/15, 11 mai 2021.

۲. ماده ۱۷۱ ق.م. سوئیس: «کانتون‌ها باید تضمین نمایند که زوجین بتوانند در صورت رویارویی با مشکلات در زندگی زناشویی خود، به‌اتفاق یا به‌تنهایی، به مراکز مشاوره ازدواج یا خانواده مراجعه نمایند». ماده ۱۷۲ ق.م. سوئیس: «زمانی که یکی از زوجین وظایف خانوادگی خود را ایفا نکنند یا زوجین راجع به مسئله مهمی در خصوص پیوند زناشویی خود اختلاف نظر داشته باشند، می‌توانند به‌اتفاق یا جداگانه، مداخله دادگاه را درخواست نمایند. دادرسی وظایف زوجین را به آنها یادآوری کرده، تلاش می‌کند میان آنها سازش برقرار نماید. او می‌تواند با موافقت زوجین، پرونده را به فرد صلاحیت‌داری [مانند روان‌شناس، مشاور، مددکار] ارجاع دهد یا مراجعه به مراکز مشاوره ازدواج یا خانواده را به زوجین پیشنهاد دهد. در صورت نیاز و به درخواست یکی از زوجین، دادرسی اقدامات پیش‌بینی‌شده در قانون را اتخاذ می‌کند. [...]». گفتنی است ماده ۱۹۵ ق.م. ترکیه نیز احکام مشابهی را مقرر می‌دارد.

کشور مطالبه نماید. این امر لازم است تنها از طریق مرجع قضایی و با حضور طرف دیگر به منظور فراهم شدن امکان شنیدن سخنان او با در نظر گرفتن وضعیت فردی، اجتماعی و خانوادگی طرفین و تا حد امکان با رعایت حقوق و آزادی‌های فردی صورت گیرد.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. احمدی‌نژاد، مریم و امین‌الرعایا، یاسر (۱۳۹۹). «حق زنان به شناسایی برابر با مردان؛ از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر و اسلام». مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، ش ۲.
۲. پیرمردیان، مصطفی و فاطمی‌نژاد، مونا (۱۳۹۶). «بررسی اصلاحات آتاتورک در دگرگونی موقعیت زنان ترکیه»، تاریخنامه خوارزمی، سال پنجم، ش ۱۷.
۳. ثمنی، لیلا و نعیمی، طاهره سادات (۱۳۹۸). «ضرورت موافقت زوج برای خروج زوجه از کشور»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، ش ۲.
۴. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۸). **مختصر حقوق خانواده**، ویرایش ششم، تهران: نشر میزان
۵. فلاحتی، هاجر (۱۳۹۷). **بررسی فقهی جواز خروج زوجه از کشور**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
۶. کمیته حقوق بشر سازمان ملل (۱۹۹۹). نظریه عمومی ش. ۲۷ «آزادی رفت و آمد (ماده ۱۲)».
۷. محسنی، الهه (۱۳۹۸). «روش‌شناسی حقوق تطبیقی»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، ش ۲.
۸. مهرپور، حسین (۱۳۹۵). **حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران**، نشر اطلاعات.
۹. مهرپور، حسین (۱۳۹۷). **نظام بین‌المللی حقوق بشر**، نشر اطلاعات.
۱۰. میری نام‌نیها، میلاد (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر با عمل نسبت به آن در قالب قوانین جمهوری اسلامی ایران»، دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی، سال پنجم، ش ۵ (پیاپی ۲۸).

ب) خارجی

۱۱. الشاذلی، فتوح عبدالله (۲۰۱۶). **الحقوق الانسانیة للمراه بین التشریعات الوطنیه و الموائیق الدولیه**، دارالنهضة العربیه.

١٢. غریب، محمود (٢٠٠٩). «الکویت تسمح للمرأة بالسفر للخارج دون موافقة زوجها»، (CNN) عربيہ، الأربعاء ٢١ تشرين الأول/أكتوبر ٢٠٠٩.
(<http://archive.arabic.cnn.com/2009/entertainment/10/21/kuwait.women>).
13. Akyilmaz, Gül. (2011). “19. ve 20. Yüzyıl Osmanlı Kanunlaştırma Hareketlerinde Kadının Hukuki Durumuna İlişkin Düzenlemeler”, *Maltepe Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi*, 10 (1).
14. Ancel, Marc (1938). **Traité de la capacité civile de la femme mariée d'après la loi du 18 février 1938**, Librairie du recueil Sirey, Paris.
15. An-Na'im, Abdullahi Ahmed (2002). **Islamic family law in a changing world: a global resource book**, Zed Books Ltd, London-New York.
16. Association de défense des droits de la femme marocaine (ADFM) (2003). “La violence etatique au Maroc: un rapport alternatif au troisième rapport gouvernemental présenté au comité contre la torture”, Genève et Rabat, 10 novembre 2003.
17. Attané, Isabelle; Brugeilles, Carole; Rault, Wilfried (2015). **Atlas mondial des femmes: les paradoxes de l'émancipation**, Ined, 2ème édition, Édition Autrement.
18. Ben, Keltoum (2018). “Algérie Les droits des femmes, beaucoup reste à faire”, A l'encontre. (<https://alencontre.org/afrique/algerie/algerie-les-droits-des-femmes-beaucoup-reste-a-faire.html>)
19. BURCUOĞLU, Halûk et al., “Concepts, intérêts et valeurs dans l'interprétation du droit de la famille, rapport de la Turquie”, In: Concepts, intérêts et valeurs dans l'interprétation du droit positif; journées italiennes 2017, Tome LXVII, Association Henri Capitant, Bruylant, 2018, pp. 451-474.
20. Democracy Reporting International (2020). “La mise en œuvre de la constitution tunisienne au niveau du cadre juridique (rapport)”, 11^{ème} édition, 30 septembre.
21. DURAL, Mustafa; ÖGÜZ, Tufan; GÜMÜŞ, Mustafa Alper. (2020). **Türk Özel Hukuku, C. III, Aile Hukuku**, İstanbul, Filiz Kitabevi.
22. Gözler, Kemal (2018). **Türk Anayasa Hukuku**, Bursa, Ekin Basım Yayın Dağıtım.
23. Hamel, Christelle (2006). “Les discriminations à l'encontre des femmes maghrébines en France. Entretien avec Feriel Lalami”, *Nouvelles Questions Féministes*, Vol. 25, No. 3, pp. 124-134. <https://doi.org/10.3917/nqf.253.0124>.
24. Immigration and Refugee Board of Canada (2004). “Maroc : information indiquant si une femme mariée ou pas (mineure ou adulte) doit avoir l'autorisation de son père pour obtenir un passeport et de voyager en dehors de son pays; le cas échéant, la preuve requise”, (2000-avril 2004), 6 April 2004, Canada, MAR42591.F, available at: <https://www.refworld.org/docid/41501c311c.html> [accessed 16 September 2021].
25. Leclair, Jean (2002). **Le Code civil des Français de 1804**, *Revue Juridique Thémis*, Québec.
26. Levy, Catherine (1997). “La journée du 8 mars 1965 à Alger”, *Clio. Histoire*,

- femmes et sociétés [En ligne], 5/1997, mis en ligne le 01 janvier 2005. URL: <http://journals.openedition.org/cli/415>.
27. Malaurie, Philippe; Aynès Laurent (2020). **Les personnes : la protection des mineurs et des majeurs**, 11ème édition, Lextenso édition.
 28. Mahieddin, Nahas M. (2006). "L'évolution du droit de la famille en Algérie : nouveautés et modifications apportées par la loi du 4 mai 2005 au Code algérien de la famille du 9 juin 1984", L'Année du Maghreb [En ligne], II, mis en ligne le 08 juillet 2010.
 29. OECD (2012). **International Migration Outlook 2012**, OECD Publishing, Paris, https://doi.org/10.1787/migr_outlook-2012-en.
 30. ÖZTAN, Bilge. (2015). **Aile Hukuku**, İstanbul, Turhan Kitabevi.
 31. Rochefort, Florence (2005). "Laïcisation des mœurs et équilibres de genre. Le débat sur la capacité civile de la femme mariée (1918-1938)", Vingtième Siècle. Revue d'histoire, n° 87, pp. 129-141.
 32. UN expert (2017). "Saudi Vision 2030 could be a catalyst for realizing women's rights", Riyadh / Geneva, 19 January 2017. Available at: <https://www.ohchr.org/en/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=21099>.
 33. UN Human Rights Committee (1999). General Comment No 27, "Freedom of movement (article 12)".
 34. United Nations Department of Economic and Social Affairs (UN DESA) (2020). **International Migration 2020 Highlights**, Population Division, New York, (ST/ESA/SER.A/452).